

<div>پایان</div> <div>پایان</div>	
<div><b>صاحب‌امتیاز:</b></div>	
<span><span><span></span></span></span> <div>مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز</div>	
<b>مدیر مسئول:</b>	
<b>مآزیار هوشمند</b>	
<b>سر دبیر:</b>	
<b>علی هوشمند</b>	
<b>مدیر گرافیک:</b>	
<b>فاطمه فیضلی</b>	
<b>صفحه آرا:</b>	
<b>محمد عباسی</b>	
<b>نشانی دفتر مرکزی:</b> <span>پوشهر خیابان طالقانی -بعد از پمپ بنزین وزیری - ساختمان شاتل - طبقه اول-واحد ۲</span>	
<b>تلفن:</b>	
<span></span>	۰۹۱۷۶۶۶۰۵۵۲
<b>نمابر:</b>	
<span></span>	۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱
<b>پست الکترونیکی:</b>	
<span><span></span></span>	payameasalooye@gmail.com
<span><span></span></span>	p.asalooye@gmail.com
<b>وبسایت:</b>	payameasalooye.ir
<b>چاپ:</b> <span>کار و کارگر</span>	

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام مسلوبه را در payameasalooye.ir بخوانید

**رتبه ۴ امتیاز ۴۳/۲**

## خاطره

## یک فرمانده از پیروزی میگوید



«این مسیرها را باید بروی، پیروزی را مفت بهتون نمی‌دهند. باید که آتش‌های دشمن را تحمل کنی، زخم‌ها را بر بدنت تحمل کنی، کمبود وسایل را باید تحمل کنی، اگر توانستی بگذری، مقاومت کنی، صبر کنی، آن وقت هست که پیروزی هم دنبالش خواهد آمد. آن وقت هست که به دنبالش آرامش هست.»

ولی‌الله چراغچی در ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۶۳ در عملیات «بدر» در جاده خندق از ناحیه مجعمه مجروح شد و پس از ۲۵ روز بیهوشی در تاریخ ۱۸ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۳، همان‌گونه که آرزو داشت شهید شد و پیکر مطهرش در گلزار شهدای بهشت رضا (ع) مشهد آرام گرفت.به همین مناسبت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سخنان منتشرنشده از سردار ولی‌الله چراغچی مسجدی که در ششم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱ در آغاز عملیات بیت‌المقدس به عنوان فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا (ع) برای رزمندگان این تیپ در روستای ابوقییس سخنانی ایراد کرده، برای اولین و پس از منتشر می‌کند.

در این صوت می شنویم:

**پیروزی را مفت نمی‌دهند**

«بالاخره این جنگ‌ها همه‌اش امتحان است، همه‌اش، مسلمان‌ها را می‌خواهند، امتحان کنند، مفت که بهتون دیدار با خدا را که نمی‌دهند، از پایین باید شما شروع کنید تا بالا، باید که خدا را طلب کنی، باید که بروی خدا را بشناسی، باید که خدا را دوست بداری، باید که عاشق خدا شوی تا خدا هم عاشق تو شود و تو را پیش خودش بطلبید، این‌طوری که نمی‌شود.این مسیرها را باید بروی، پیروزی را مفت بهتون نمی‌دهند. باید که آتش‌های دشمن را تحمل کنی، زخم‌ها را بر بدنت تحمل کنی، کمبود وسایل را باید تحمل کنی، اگر توانستی بگذری، مقاومت کنی، صبر کنی، آن وقت هست که پیروزی هم دنبالش خواهد آمد. آن وقت هست که به دنبالش آرامش هست. وقتی که ثابت ماندی رفتی جلو، دشمن وقتی می‌بیند شماها استقامت می‌کنید، فرار می‌کند و از این طریق ما می‌توانیم به جهان هم انقلاب خودمان را صادر کنیم و راحت بهشون بگوییم که ثابت‌قدم بودن در این راه، این پیروزی‌ها را هم به دنبال دارد.»

## «خبر

## معرفی نامزدهای شعر اولین دوره

## جایزه ادبی «ما»

نامزدهای بخش شعر اولین دوره جایزه ادبی «ما» معرفی شدند.

به گزارش ایستا، اولین دوره جایزه ادبی ما در سه بخش شعر، رمان و داستان کوتاه به ارزیابی آثار منتشرشده در سال ۱۳۹۹ پرداخت که نام نامزدهای بخش رمان و داستان کوتاه در اسفندماه سال گذشته اعلام شد.هیئت داوران بخش شعر، ضمن سیاست از شاعران و ناشرانی که آثارشان را به این جایزه ارسال کردند، هفت اثر را به عنوان نامزد خود معرفی کرد که به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

«آب تا زلّوی مترسک» از حیدر کاسبی

«با عاطفه‌های قرن مرغ» سروده فرزاد کریمی

«بی‌تفاوتی در نور زرد» از جواد گنجعلی

«پناهنده» از داوود ملکی

«سارا» سروده رضا یابوری

«صدای من را از خواستن می‌شنوید» سروده آرش نصرت‌اللهی

«عبور از تنهایی» از مهسا چراغعلی

داوران بخش شعر را ضیاءالدین خاقلی، افشین شاهرودی و یاسین نمکچیان تشکیل می‌دهند. دبیر بخش شعر نیز یاسین نمکچیان است. بر اساس این خبر، نشانی صفحه اینستاگرام جایزه «جایزه ادبی ما» بوده که اطلاعاته و مطالب مربوط به جایزه در آن منتشر خواهد شد و علاقه‌مندان می‌توانند پرسش‌های خود را از این طریق طرح کنند تا در اسرع وقت به آن‌ها پاسخ داده‌شود.تاریخ اعلام اسامی برگزیدگان نهایی، در برنامه‌ای که تدارک دیده‌خواهد شد، متعاقبا اعلام خواهد شد.دبیر این دوره از جایزه ادبی ما، محمد‌هاشم اکبربانی و حامی مالی جایزه، شرکت چسب سینا است.

## یادمان

به مناسبت سالروز شهادت سید مرتضی آوینی:

## آنجا دیگر میان عقل و عشق فاصله‌ای نیست



مرتضی آوینی بیستم فروردین‌ماه ۱۳۷۲ در فکه به شهادت رسید. حین ساخت فیلمی مستند، از مجموعه مستندهای روایت فتح، روی مین رفت و آنچه را که خودش سال‌ها روایت کرده بود، این‌بار تجربه کرد. او را به اعتبار آثار مکتوبی که نوشت و مجاهدت‌هایی که در راه تبیین مفاهیم انقلاب داشت، سید شهیدان اهل قلم خوانده‌اند و این لقب، بسیار براندازش بود.

می‌گویند دو روز قبل از عزیمت به منطقه فکه، در پاسخ به پرسش که به کدام منطقه می‌روی، گفته بود: «می‌دانی به کجا می‌روم، به فکه؛ همان‌جایی که رزمندگان ما با چشم خود، تحویل نفوس شهدا توسط فرشتگان را مشاهده می‌کردند.»

**تنوع موضوع، وحدت مضمون**

دغدغه‌هایش بسیار زیاد بودند و از این‌رو فهرست آثارش، طیف گسترده‌ای از موضوعات را در خود جای می‌دهند. از «آیین‌ه جادو» و «توسعه و مبانی تمدن غرب» گرفته تا «آغازی بر یک پایان» و «فتح خون»، از سینما و آرمان‌ها و اهداف تمدن غربی تا مسأله انقلاب اسلامی و تاریخ صدر اسلام، اما این گستردگی و تنوع موضوع، در عین حال از نوعی انسجام مضمونی برخوردار است.

تقریباً در همگی این آثار، نویسنده از زوایای مختلف با مسأله سعادت و معنای هستی و حیات انسان کنج‌لر می‌رود و پرسش‌هایی اساسی را در همین زمینه پیش می‌کشد. مثلاً در «آیین‌ه جادو» (که جلدهای دوم و سوم آن بعد از شهادت شهید آوینی مدون و منتشر شدند) او بر ماهیت هنری و رسانه‌ای سینما که در غرب ابداع شده و ذیل تمدن غربی بالیده است تأمل می‌کند و نسبت آن را با هویت اسلامی و انقلابی می‌سنجد.

شهید آوینی در «توسعه و مبانی تمدن غرب»، معیارهای غربی و غیرالهی درباره غایت زندگی انسان را به چالش می‌کشد و می‌نویسد که توسعه اقتصادی، آرمان پرچاندبه عصری است که در آن بشر، خدا را فراموش و از زندگی خودش کنار گذاشته و از جاودانگی روح خویش غفلت کرده است.

سپس می‌پرسد در تقسیم‌بندی ملل جهان به توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته معیار و میزان چیست؟

«توسعه اقتصادی، به اعتقاد حقیر آن بینش خاصی که جهان را با ماده معنا می‌کند، می تواند بعد اقتصادی حیات بشر را مبنای شناخت و تعریف او قرار دهد. در نظام اعتقادی ما آن توسعه‌ای معتبر است که بر تعالی روحی بشر تکیه دارد و تعالی روحی بشر نیز به پرهیز از فزون‌طلبی و تکاثر و منع اسراف و تبذیر و پیروی از یک الگوی متعادل مصرف منتهی می‌شود، نه به رشد اقتصادی محض.»

**سید شهیدان اهل قلم**

نویسنده‌ای چنین پیشرو و نکته‌سنج، از سوی مقام معظم رهبری - در مراسم تشییع پیکرش - سید شهیدان اهل قلم لقب گرفت. سیر و سلوک خاص خودش را داشت و به «جاهای خاص» وصل بود. یوسفعلی میرشکاک که از نزدیک با سید شهید همکاری کرده بود، در یکی از خاطراتش – که آن را بارها تعریف کرده است - می‌گوید: من یکی وقتی سر چند شماره از مجله سوره نامه ندتی به سید نوشتم که یعنی من رفتم و راهی خانه شدم. حالم خیلی خراب بود. حسابی شاکی بودم. پلک که روی هم گذاشتم بی‌بی فاطمه (صلوات‌الله علیها) را به خواب دیدم و شروع کردم به عرض حال و نالیدن از مجله، که بی‌بی فرمود با بچه من چه کار داری؟

میرشکاک اضافه می‌کند: من باز از دست حوزه و سید نالیدم، باز بی‌بی فرمود: با بچه من چه کار داری؟ برای بار سوم که این جمله را از زبان مبارک بی‌بی شنیدم، از خواب پریدم. وحشت سراپایی وجودم را فراگرفته بود و اصلاً به خود نبودم تا اینکه نامه‌ای از سید دریافت کردم.

سید نوشته بود: «یوسف جان! دوست دارم. هرجا می‌خواهی بروی، برو! هر کاری که می‌خواهی بکنی، بکن! ولی بدان برای من پارتی‌بازی شده و اجدادم هوایم را دارند.» دیگر طاق‌ت نیاوردم و راه افتادم به سمت حوزه و عرض کردم سید پیش از رسیدن نامه‌ات خبر پارتی‌ات را داشتم و گفتم آنچه را آن شب در خواب دیده بودم.

**عقل می‌گوید بمان و عشق می‌گوید برو**

«صبح شد و بانگ الرحیل برخاست و قافله عشق عازم سفر تاریخ شد. خدایا، چگونه ممکن است که تو این باب رحمت خاص را تنها بر آنان گشوده باشی که در شب هشتم ذی‌الحجه سال شصتم هجری مخاطب امام بوده‌اند و دیگران را از این دعوت محروم خواسته باشی؟
آنان را می‌گویم که عرصه حیات‌شان عصری دیگر از تاریخ کره ارض است. هیهات ما ذلک الظن یک ـ ما را از فضل تو گمان دیگری است. پس چه جای تردید؟ راهی که آن قافله عشق پای در آن نهاد راه تاریخ است و آن بانگ الرحیل هر صبح در همه جا برمی‌خیزد. و اگر نه، این راحلان قافله عشق، بعد از هزار و سیصد چهل و چند سال به کدام دعوت است که لبیک گفته‌اند؟»

شهید آوینی کتاب «فتح خون» را که جملات قبلی از آن بود، گویا در محرم سال ۱۳۶۶ نوشت. این کتاب، کتابی ده فصلی است و با شهادت امام‌حسن(ع) شروع و به وداع عباس و امام حسین(ع) در دشت کربلا ختم می‌شود و نویسنده در آن ضمن روایت تاریخ تحولات اسلام، تأملات خود را هم از زبان «راوی» بیان می‌کند. مانند ماجرای درخواست امان‌نامه برای امام حسین(ع)، که برای راوی تضاد و تناقضی آشکار بود.

«عجبا! امام مامن کره ارض است و اگر نباشد، خاک اهل خویش را یکسره فرو می‌بلعد و اینان برای او امان نامه می‌فرستند... و مگر جز در پناه حق نیز مأمنی هست؟»

یا پیش از آن، زمانی که امام(ع) عزم به رفتن کرد و قدم در راهی گذاشت که به کربلا منتهی می‌شد: «عقل می‌گوید بمان و عشق می‌گوید برو و این هر دو، عقل و عشق را، خداوند آفریده است تا وجود انشان در حیرت میان عقل و عشق معنا شود، اگرچه عقل نیز اگر پیوند خویش را با چشمه خورشید نژد، عشق را در راهی که می‌رود، تصدیق خواهد کرد؛ آنجا دیگر میان عقل و عشق فاصله‌ای نیست.»



## احکام

برخی احکام روزه‌داری

## آیا می‌توان به قصد فرار از روزه به مسافرت رفت؟



هر مسلمانی وظیفه دارد احکام شرعی را فرا گیرد و با آغاز ماه مبارک رمضان مسائلی در زمینه روزه داری مطرح می‌شود که هر مقلدی باید نسبت به آن آگاهی لازم را داشته باشد. بنابر این هر مقلدی برای انجام فرایض خود مانند روزه باید یک مرجع از میان مراجع تقلید انتخاب کند و بر اساس احکام و فتاوی آن مرجع به وظایف دینی خود عمل کند. به همین مناسبت برخی احکام مورد نیاز و مربوط به ماه مبارک رمضان بر اساس پاسخ‌های رهبر معظم انقلاب به استفتانات مردمی بیان می‌شود.

**مسافرت در ماه رمضان**

سوال: آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟

پاسخ: مسافرت در ماه رمضان هر چند برای فرار از روزه باشد، جایز است. البته بهتر است به سفر نرود؛ مگر اینکه سفر برای کار نیکو یا لازمی باشد و در صورت مسافرت، ولو اینکه برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است. سوال: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پيشامد حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟

پاسخ: روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره ای هم ندارد.

**روزه‌داری و سن تکلیف**

سوال: دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد تا این که ماه رمضان سال بعد فرا می رسد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.

سوال: دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند و روزه گرفتن بر آن‌ها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اكمال ۹ سال قمری است؟ پاسخ: بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل ۹ سال قمری است که در این هنگام روزه بر آن‌ها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرها جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن برایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آن‌ها جایز است.

سوال: من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی‌دانم، از جانب اهل خواهمشدم بیان فرماید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است؟ پاسخ: فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه‌ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است.

سوال: اگر دختر ۹ ساله‌ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟ پاسخ: قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

**احتمال عدم وجوب روزه**

سوال: اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفّاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است.

**روزه داری و سربازی**

سوال: شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمی‌تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، آیا کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟

پاسخ: صرف حضور در محل خدمت، مجوز افطار روزه نیست، و اگر شرایط وجوب روزه موجود باشد باید روزه بگیرد، و الا قضا و کفاره بر او واجب می شود و اگر تا ماه رمضان آینده قضای روزه را به جا نیاورد باید کفاره تاخیر نیز بپردازد، اما اگر در محل خدمت، شرایط وجوب روزه موجود نباشد و بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تاخیر واجب نیست.

**اعتیاد به سیگار و روزه‌داری**

سوال: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می‌کنم که تندخو نباشم نمی‌توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده‌ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می‌برم، تکلیف من چیست؟ پاسخ: روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید.

## تماشا

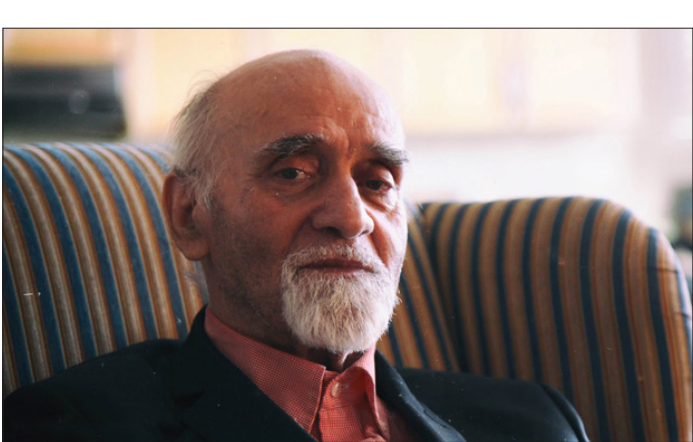


## یادداشت

## «واضح و مبرهن است که ...

(دربارهٔ دکتر رضا براهنی)

احمد رضا بهرام‌پور عمران



رضا براهنی و کارنامهٔ پربرگ‌وبار ادبی‌اش را می‌توان درست قبول‌نداشت یا در کارش ان‌قلت‌هایی‌کرد، اما نمی‌توان او و آثارش را نادیده‌گرفت و تأثیرگذاری‌هایش را انکار‌کرد. او یادگار نسل جستجوگری است که می‌نوشت و می‌سرود؛ نقد و تفسیر می‌کرد و البته‌که گاه دشنام هم می‌داد و ناسزا نیز می‌شنید. نسلی که پویا و حاضربراق بود. براهنی یکی از آن نام‌آورانی است که مصرّ بود نسبتش را به اثری روشن سازد و هر نکته و مسأله‌ای را واضح و «میرهن»! براهنی را نمی‌توان با انگِ ژورنالیست و هیاهوکن و هوچی‌گر خوار ساخت؛ نویسنده‌ای که مقالاتش ده‌ها مجله‌هایی را سرپانگه‌می‌داشت و هیاهو نیز البته گاه در کارش بود. اما این همهٔ وجهه و وجوه ادبی او نبود و نیست. او اصطلاحاتی را وضع‌کرد و دریچه‌هایی را به‌روی امروز و نسل فردای ما گشود که اکنون از مسلمات نقد ادبی زبان فارسی به‌شمار می‌رود. بسیاری از قضاوت‌هایی که درباب شعر سپید و رمانتیک شده و امروز بر ما واضح و «میرهن» است از خلّاقیت‌های ذهن پرچنب‌وجوش و جوان‌های اندیشهٔ بلند اوست. و البته غزلی را از مولانا شتاب‌زده با آرای روان‌کاوانهٔ فروید تفسیر‌کردن هم در کارش دارد که نمی‌توان با او هم‌داستان بود. اما کلیّت وجههٔ ادبی براهنی را نمی‌توان به‌سبِ این‌گونه بدعتی‌ها محکوم کرد؛ چراکه درکنار این‌ها آثار او از بارقه‌هایی بدیع نیز برخوردار است؛ آثار متعدّدی که سرشار از روشن‌گری‌هایی است. نوافکنی که او گاه یک‌تنه بر نقد ادبی ما تابانده بیدارگر چندین نسل بوده. درست است که براهنی گاه تازیانهٔ قلمش را اندکی بی‌رحمانه بر گرده رمانتیسم دهه‌های چهل و پنجاه فرود آورده و با کسربانی و نادرپور پی‌وهش یا نقد و داوری نباشد اما او «حضور قاطع و بی‌تخفیفی» در ادب معاصر ما داشته و دارد! و ما هم به نقد دانشگاهی و روشمند و متین‌رزیین‌کوب و شفيعي شفيعي احتیاجیم و هم به ارزیابی‌های اغلب اصیل و سرنزده و بیدارگرانهٔ براهنی. و البته‌که شتاب‌زدگی در ارزیابی‌ها و شلنگ‌اندازانه نگاشتن‌ها گاه به آثار براهنی لطمه زده. و صدالبته که بهتر می‌بود اگر او قلمش را دست‌کم در مقالات به هجو و گاه هتاکی نمی‌گرداند. یکی از آن جفاهای بزرگ، سهراب سپهری را «بچه بودای اشرافی» خواندن بود! در پایان، از مضمون یکی از اشعارِ استادم دکتر محمود فتوحی مدد می‌گیرم:

نادیدن این آفتاب از دیدنش فحالت‌ر است!